
٧١٦٧


27.

از لام سی اراده کرده چون میم از انجا بنماید از میان او ظاهر کردد قاسمی حصول
یافته وچنانچه در اسم   نزد ما حرفی که آن چه قدر و روی یار ماست   دهست آخر
که بود چه وجه خوانیمش رواست   از اسامی حروف آنچه الف و یا و نون است
دهست آخر نون شد که بود چه وجه کاف که ساقط شود یا بماند نون حصول پیوند
دتواند بود که از چند حرف که در یک محل اندراج یافته باشد از هر یک اسم او خواهند
و از امتزاج اسامی بیکدیکر عبارتی اراده نمایند که افادهٔ حصول مقصود کند چنانکه
در اسم   ز چشم نام دوست جان می یابد آرام   صبا برکوی یکیک حرف
از آن نام پوشیده نماند که از حروف لفظ صبا بر جمیع اسامی آن خواهند ارادهٔ
صاد چه الف با را می توانی نمود صاد چه الف صد شود با را صد حصول یابد
دکر از صد قاف اراده کرده با را اقرا پیدا شود و اکر از این معما اسم قاسم
نیز اراده نمایند دور نیست از حروف لفظ صبا جمیع اسامی آن خواهند بهمان
طریق صد شود که قاف است و از آن نام اسم مراد است قاسم بحصول پیوسته و دیگر
طریق شاید که عبارتی از اسامی حروف حاصل شود که متضمن ترکیب باشد چنانکه
در اسم   ای شیخ که از نقش بناگوش تو شک را   بسیار دهانی بکسان اندک را
پوشیده ز تو سر پشتیز آخر   کوئی که تمام دیده ام یکیک را   از لفظ سر پشتیز کی
حرف آخر پوشیده شود سر پش ماند و جمیع از مجموع حروف اسم خواهند شین را
به شین یا حاصل شود سین با پشن یا از یا ام مراد است یعنی پش مبدل بلفظ ام شود